

■ از جمله اقداماتی که دشمن در طول سال‌های اخیر برای آن بین بردن روحیه انقلابی کشور انجام داده، تغییر در سبک زندگی مردم و تهاجم همه‌جانبه به فرهنگ غنی اسلامی – ایرانی این مرز و بوم است. امریکا با سرما به‌گذاری بسیار، سعی در انتقال و به نوعی سرایت دادن فرهنگ بیمار خود به کالبد جوانان و آینده‌سازان کشور دارد. آنها در تلاشند با راه‌اندازی فضای مجازی و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای روح ایمان و عفاف را از خانواده ایرانی بگیرند

نگاهی به نقش سبک زندگی اسلامی در استمرار ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی

سنگر سبک زندگی

عرصه سبک زندگی، مهم‌ترین آوردگاه تمدن نوین اسلامی با تمدن مادی غرب است

دیروز اول ذی‌الحجه سالروز ازدواج حضرت زهرا^(س) و حضرت علی^(ع) بود؛ ازدواجی که در معانی باطنی قرآنی آن را «مرح البحرین یلتقیان» خوانده‌اند. این ازدواج به حقیقت مبارک که سر آغاز کاشته شدن شجره طیبه هدایت و ولایت بود، بهانه‌ای شد تا به موضوع مهم سبک زندگی اسلامی بپردازیم؛ موضوعی که بارها مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است و هر چه پیش‌تر می‌رویم به اهمیت آن بیشتر واقف می‌شویم. سبک زندگی، قلب هر تحولی است، اگر ما انقلاب را یک جریان پویا و در حال حرکت به سمت آرمان‌های اسلامی بدانیم، سبک زندگی اسلامی به مثابه قلب این جریان تحولی می‌ماند و اتفاقاً اگر دشمن نخواهد این حرکت را متوقف کند، دقیقاً همین نقطه را هدف قرار می‌دهد. در این شماره از صفحه‌اندیشسه روزنامه «وطن‌امروز» تلاش کردیم در یادداشت‌هایی از حجت‌الاسلام سیدمحمدحسین راجی، پژوهشگر حوزه پیشرفت و دکتر مهدی جمشیدی، استاد دانشگاه نگاه جامع‌تری به عمق و اهمیت مساله سبک زندگی به مخاطبان ارائه دهیم.



حجت‌الاسلام سیدمحمدحسین راجی؛* از جمله اقداماتی که دشمن در طول سال‌های اخیر برای از بین بردن روحیه انقلابی کشور انجام داده، تغییر در سبک زندگی مردم و تهاجم همه‌جانبه به فرهنگ غنی اسلامی – ایرانی این مرز و بوم است. آمریکا با سرمایه‌گذاری بسیار، سعی در انتقال و به نوعی سرایت دادن فرهنگ بیمار خود به کالبد جوانان و آینده‌سازان کشور دارد. آنها در تلاشند با راه‌اندازی فضای مجازی و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای روح ایمان و عفاف را از خانواده ایرانی بگیرند. در این میان، سبک‌اندیشیان با استدلال‌های سطحی خود جواز حضور آنان را در خصوصی‌ترین حریم‌های زندگی‌شان داده‌اند. نتیجه این بی‌تدبیری‌ها این‌کهون می‌توان از آمار بسیار بالای طلاق فهمید. این میزان از فروپاشی خانواده‌ها را می‌توان نتیجه کوتاه‌بینی برخی مردم و مسؤوولان و الگوبرداری از سبک مضمحل زندگی غربی دانست که با خوش‌خیالی و انتخابی نگری،پراحتی از کنترل‌توطئه دشمن عبور کردند.آنها تنها ظواهر زندگی رنگارنگ غربی را دیده‌اند و ساده‌لوحانه آن را برای خود برگزیده‌اند. یک انسان مدبر، قبل از اینکه انتخابی برای ادامه مسیر خود داشته باشد، ابتدا به نتایج آن می‌اندیشد و در صورتی که سرانجام خوبی داشته باشد، آن را برای خود انتخاب می‌کند.

■ **فروپاشی خانواده در غرب**

طبق گزارش مرکز حقوقی Unified Lawyers، بر اساس داده‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، اتحادیه اروپایی و دیگر مراجع آماری معتبر دنیا، نرخ طلاق در دهه‌های گذشته ۲۵۱٫۸ درصدافزایش پیدا کرده و از ۱۲ درصد در سال ۱۹۶۰ میلادی به ۴۴ درصد در سال ۲۰۱۷ میلادی رسیده است.

بنا بر این داده‌ها، کشورهایی توسعه‌یافته دنیا بیشترین آمار طلاق را از آن خود کرده‌اند ولی ایران اسلامی، دهمین کشور کم‌طلاق دنیا به شمار می‌رود. هر چند روند تغییرات طلاق در ایران، روندی افزایشی بوده و میزان نرخ طلاق در کشورمان هشداردهنده و نامطلوب است اما در مقایسه با دیگر کشورهای جهان، وضعیت طلاق در کشور ایران، بهتر است.

همچنین در این گزارش ذکر شد است که نرخ طلاق

در میان افراد معتقد به ادیان، پایین‌تر از میانگین جهانی بوده است. برای مثال، نرخ طلاق در میان مسلمانان کمتر از نصف میانگین جهانی است. بر اساس گزارش مرکز آمار آمریکا، آمار ازدواج رسمی در ایالات متحده آمریکا در میان افراد بین ۱۸ تا ۳۴ سال طی ۴۰ سال گذشته تقریباً نصف شده و از ۵۹ درصد در سال ۱۹۷۸ میلادی، به ۲۹ درصد در سال ۲۰۱۸ میلادی کاهش پیدا کرده است. همچنین بنا بر این گزارش، آمار ازدواج‌های غیرقانونی در میان افراد ۱۸ تا ۳۴ سال در ۵۰ سال گذشته ده‌ها برابر شده است. بنا بر آمار بخش جمعیت سازمان ملل، تعداد کودکان به دنیا آمده از راه غیرقانونی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا در ۵۰ سال گذشته روندافزایشی داشته و در بعضی از این کشورهااکثر کودکان متولد شده از راه نامشروع به دنیا آمده‌اند. برای مثال ۶۰ درصد کودکان متولد شده در فرانسه، ۵۶ درصد کودکان متولد شده در سوئد، ۴۷ درصد کودکان متولد شده در اسپانیا، ۴۲ درصد کودکان متولد شده در ایالات متحده آمریکا، از راه نامشروع به دنیا آمده‌اند، بنا بر نظرسنجی مؤسسه تحقیقاتی نیه‌مردم در جامعه آمریکا، مادران مجرد را که عمدتاً از محل ازدواج غیرقانونی صاحب فرزند شده‌اند، برای جامعه مضر می‌دانند. به دلیل عدم پایبندی اخلاقی و مسؤوولیت‌گریزی مردان و زنانی که ناخوسته از راه نامشروع برای فرزند شده‌اند، معمولاً یکی از آنان پس از به دنیا آمدن فرزند، تصمیم می‌گیرد خانواده را ترک کند.

کودکان به دنیا آمده از راه نامشروع، اکثراً تنها با مادران‌شان زندگی می‌کنند. بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقاتی پیو، در سال ۲۰۱۷ میلادی ۶۵ درصد کودکان نامشروع تنها با پدر یا مادرشان زندگی می‌کرده‌اند. از آنجایی که هزینه‌های زندگی در ایالات متحده آمریکا بالاست و وزن مرد مجبورند برای تأمین هزینه‌های خانواده همزمان کار کنند، مادران مجرد برای تأمین هزینه‌های زندگی خانواده خود دچار مشکل می‌شوند و مجبورند در بیرون از خانه کار کنند.

طبق گزارش سازمان ملل متحده، زنان، سرپرست اقتصادی ۴۷ درصد خانواده‌های آمریکایی و ۴۹ درصد خانواده‌های فرانسوی هستند؛ در حالی که در ایران، سرپرستی ۱۲ درصد خانواده‌ها با بانوان است.

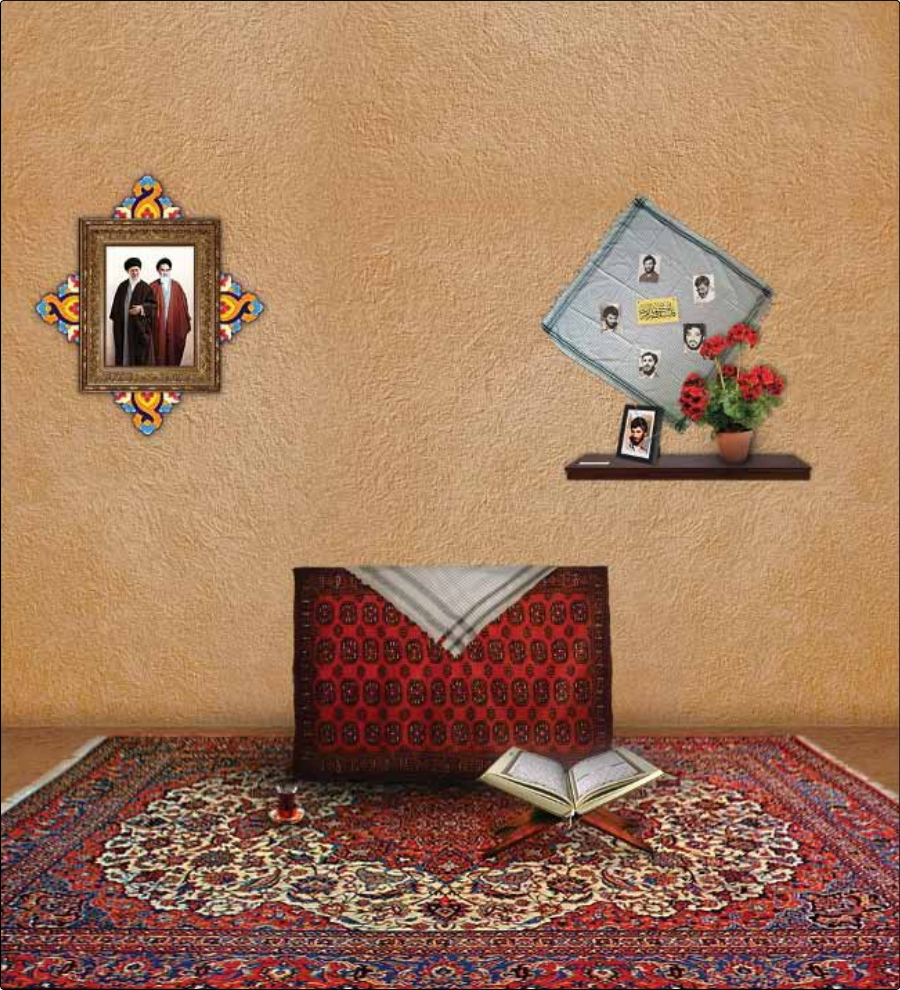
فروپاشی نهاد خانواده، در جامعه آمریکا معضل دیگری به وجود آورده و آن تربیت ناصحیح کودکان بزرگ شده با والدین مجرد است. بنا بر گزارش نشریه آتلانتیک آمریکا ۸۷ درصد مجرمان آمریکا افرادی هستند که کودکی خود را بسدون پسر یا مادر و اکثریت آنان نیز با مادران مجرد گذرانده‌اند.

برای مثال ۶۳ درصد خودکشی‌ها در میان جوانان، ۹۰ درصد بی‌خانم‌ی‌ها و فرار کودکان از منزل، ۸۰ درصد سوءرفتارهای اخلاقی، ۸۰ درصد تجاوزهای بانگیزه خشم، ۷۱ درصد اخراج از مدرسه و ۷۵ درصد مصرف مواد مخدر آمریکا، در افرادی که بدون پدر بزرگ شده‌اند روی می‌دهد. همچنین ۷۰ درصد زندانی‌های ایالتی آمریکا و ۸۵ درصد جوانان زندانی در آمریکا از این دسته افراد هستند. به عبارت دیگر، احتمال خودکشیی کودکانی که بدون پدر بزرگ می‌شوند نسبت به سایر کودکان ۵ برابر بیشتر است. همچنین احتمال فرار از منزل در این افراد ۲۲ برابر، احتمال سوءرفتارهای اخلاقی ۲۰ برابر، احتمال ارتکاب تجاوز به سن ۱۴ برابر، احتمال اخراج از دبیرستان ۹ برابر، احتمال مصرف مواد مخدر ۱۰ برابر و احتمال افتادن به زندان ۲۰ برابر، بیشتر از افراد دیگر است.

هزینه دیگری که از محل فروپاشی خانواده بر دولت آمریکا تحمیل شده است، کاهش چشمگیر نرخ‌فرزندآوری در میان زنان آمریکایی است. با کاهش تمهد به چارچوب خانواده، میل به فرزندآوری در میان زنان جامعه آمریکا کم شده و ایالات متحده آمریکا اکنون یکی از پایین‌ترین نرخ‌های فرزندآوری زنان خود را تجربه می‌کند.

پایین آمدن نرخ فرزندآوری در ایالات متحده آمریکا باعث شده است متوسط سنی جمعیت این کشور افزایش یابد. بنا بر آمار رسمی مرکز آمار آمریکا، جامعه آمریکا در حال پیر شدن است و برای نخستین‌بار در طول تاریخ این کشور، در سال ۲۰۲۵ میلادی جمعیت افراد بالای ۶۵ سال، بیشتر از جمعیت افراد زیر ۱۸ سال خواهد شد و این روند تا سال ۲۰۶۰ میلادی بدتر نیز خواهد شد.

پیر شدن جمعیت، هزینه‌های سنگینی بر دوش آن کشور خواهد گذاشت؛ چرا که با پیر شدن جمعیت، هزینه‌های مراقبت‌های درمانی از افراد مسن و بیماران، سال‌افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر با کم شدن نسبت جوانان به جمعیت کل کشور، نسبت نیروی کار مورد نیاز



زندگی غربی، مقتل انسانیت

کشور نیز کاهش پیدا می‌کند و تأمین هزینه‌های کشور با چالش جدی مواجه خواهد شد. بنا بر گزارش بخش سلامت دانشگاه جورج واشنگتن، هزینه مراقبت‌های درمانی از افراد بالای ۶۵ سال در آمریکا بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار برآورده شد است.

به گزارش بخش مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل و همچنین مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری دولت آمریکا، نرخ ارتکاب قتل در آمریکا نسبت به دیگر کشورهای دنیا بسیار بالاتر است. همچنین بنا به گزارش بخش مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل، نرخ تجاوز در آمریکا و کشورهای اسکندیناوی و غرب اروپا بالاتر از دیگر نقاط جهان است.

بنا بر گزارش مؤسسه تحقیقاتی پیو، آمریکادارای بالاترین تعداد زندانی‌ها در دنیا است. تعداد زندانیان در آمریکا در ۵۰ سال گذشته افزایش چشمگیری پیدا کرده است.

هزینه‌های سنگین اقتصادی ناشی از آمار بالای جرائم و زندانیان در آمریکا، چالش اقتصادی بر ایالات متحده تحمیل کرده است. بر اساس گزارش سرویس محاسبات آمریکا خسارت سالانه جرائم در آمریکا حداقل ۶۹۰ میلیارد دلار و حداقل ۳۴۱ میلیارد دلار است. همچنین در محاسبه‌ای دیگر، خسارت جرائم در آمریکا ۱۵۷۰ میلیارد دلار محاسبه شده است که بنا بر محاسبه ۱۵۷ تریلیون دلار (حد وسط)، به ازای هر آمریکایی سالانه ۴۱۱۸ دلار برای تأمین هزینه‌های ناشی از جرم و جنایت در ایالات متحده آمریکا مصرف می‌شود. بنا بر آمار «مؤسسه جهانی آمار و ارزیابی سلامت»، نرخ خودکشی در ایالات متحده آمریکا، از میانگین جهانی است و از هر ۱۰۰ هزار نفر آمریکایی، سالانه حدود ۱۳ نفر بر اثر خودکشی، جان خود را از دست می‌دهند. در این آمار، کرده‌جنوبی، هند و ژاپن بالاتر از آمریکا قرار دارند و جمهوری اسلامی ایران در ردیف کشورهای است که پایین‌ترین نرخ خودکشی را دارند.

همچنین به گزارش مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری دولت آمریکا (CDC)، نیمی از مردم این کشور سابقه بیماری‌های روحی و روانی داشته‌اند و سومین عامل بستری‌های روانی ۱۸ تا ۴۴ ساله در بیمارستان‌های آمریکا، بیماری‌های روحی و روانی است.

■ **پژوهشگر حوزه پیشرفت**

شنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۱
وطن امروز | شماره ۳۵۲۲
اندیشه

سبک زندگی و جهاد تبیین

اساس هر تحولی از نقطه فرهنگ آغاز می‌شود. این مطلب از آیه ۱۱ سوره رعد نیز قابل برداشت است. آنجا که خدا می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید: «مطلبی که من می‌خواهم به شما عرض کنم، حول و حوش یک آیه قرآن است. آیه معروفی است: ﴿لَاَ لِلَّهِ لَآغْيَتِرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. تغییرات به دست شماست؛ کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست؛ مضمون آیه این است. یک جای دیگر در یک دایره محدودتر می‌فرماید: «**لَاك بَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَك مَغْتِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**». این آیه، پسرقت را می‌گوید. خدای متعال پسرقت را نصیب هیچ کشوری نمی‌کند، مگر خودشان به دست خودشان بکنند. تغییر موجب پسرقت را خود ملت‌ها به وجود می‌آورند و شبیه این مضمون در آیات متعدد دیگری هم هست که مرجمش به همین است (۱۸/۱۸۵، ۱۳۸۵، بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان).

به این ترتیب باید فرهنگ به معنای عام و سبک زندگی به معنای خاص را نقطه کلیدی در تحول ملت‌ها و دولت‌ها دانست. انقلاب اسلامی، تحولی بود که نقطه آغاز آن یک تحول فرهنگی بود. مردم قطار ترمز بریده دستگاره پهلوی را که با سرعت به سمت غربی شدن و اضمحلال فرهنگ دینی و ایرانی می‌رفت متوقف کردند و روی به سوی ارزش‌های دینی و اسلامی آوردند. این تغییر سبک زندگی نقطه آغازین انقلاب بود و اگر قرار است انقلاب تلاوم بیابد، این نقطه باید حفظ شده

و به سمت اصلاح و پیشرفت حرکت کند. بعید نیست بسیاری از مشکلاتی که در جریان انقلاب با آن مواجه شده باشیم، به خاطر عبوب فرهنگی ریشه‌دهنده در شاکله ذهنی ما باشند. نکته‌ای که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز به آن اشاره کرده‌اند: «عبوب اساسی در سبک زندگی ما است؛ این دیگر مربوط به مسؤوولان نیست، مربوط به خود ما و شما احاد مردم است. ما در سبک زندگی مشککلاتی داریم؛ یکی از مشککلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشککلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشککلات ما رفاطمیلی افراطی است؛ یکی از مشککلات ما اشترافی‌گری است. اشترافی‌گری متأسفانه از طبقات بالا سرریز می‌شود به طبقات پایین؛ آدم متوسط – یعنی از قشرهای متوسط – هم وقتی می‌خواهد میهمانی بگیرد، وقتی می‌خواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی می‌گیرد. این عیب است؛ این خطا است. این ضربه به کشور می‌زند. زیاد مصرف کردن، زیاد خواستن، زیاد خوردن، زیاد خرج کردن، جزو عبوب مهم ما است در سبک زندگی ما». (۱۳۹۷/۱/۱)
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی).

به هر ترتیب باید دانست مساله سبک زندگی و شاکله فرهنگی از آن دست موضوعاتی است که باید به دقت مورد توجه سیاست‌گذاران و فعالان انقلاب قرار گیرد. بخشی از جهاد تبیین باید متمرکز بر این مساله باشد و قطعا یکی از بهترین منابع برای تبیین سبک زندگی اسلامی، زندگینامه شهیدان است؛ مطلبی که رهبر معظم انقلاب چندین بار موکدا به آن پرداخته‌اند و در یکی از بیانات‌شان فرموده‌اند: ما در بیان زندگینامه شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها وسبک زندگی اینها و چگونگی منشی زندگی اینها را تبیین کنیم. این مهم است. خب، هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مساله است که چیز باارزشی است که کسانی جان‌شان را کف دست بگیرند و بروند بیچنگند؛ لکن روحیات، خصوصیات زندگی، سابقه و تفکر و اعتقادی شخص هم یک مساله دیگری است که این خیلی مهم است. این شهیدی که شما از یاد او و فداکاری او و شهادت او در میدان جنگ به هیجان می‌آیید، در داخل زندگی خانوادگی چه‌جوری منشی می‌کرده، در محیط عادی زندگی چه‌جوری عمل می‌کرده؛ اینها خیلی مهم است؛ یا نسبت به مسائلی که امروز برای ما مهم است، اینها چه‌جوری عمل می‌کرده‌اند.

فرض بفرمایید ما امروز درباره اسراف، درباره تعرض و تجاوز به اموال بیت‌المال، درباره اشترافی‌گری حساسیت نشان می‌دهیم. یعنی اینها! چیزهایی است که امروز برای مجموعه دلسوز جامعه ما مسائل مهمی است، مسائل مطرحی است؛ این شهیدی عزیز ما آن روزی که زنده بودند و زندگی می‌کردند در داخل شهرهای‌شان، در داخل خانواده‌های‌شان، نسبت به این قضایا چه‌جوری بودند.

تولیزبون یک برنامسه‌ای را دیروز، برپروژه بخش می‌کرد از بعضی از شهدا که بنده تصادفاً چند دقیقه‌ای دیدم؛ آنچه درباره آن شهیدان گفته می‌شد، یا در وصیت‌نامه آن شهیدان درج شده بود انسان را واقعاً از عظمت روحی این شهید متحیر می‌کند. می‌گوید من درس خواندم و می‌ترسم که این درس خواندن من – که خرجی برایش شده و هزینه‌ای شده – تحمیل بر بیت‌المال بوده و این به گردن من باشد؛ وقتی که من شهید شدم موتور گازی من را بفروشید، پول‌های بانک من را بگیرید، بروید بصدیق به بیت‌المال به جای آن! اینها درس است؛ اینها درس است.

وضع عادی زندگی کردن شهدا چه‌جوری بوده؟ فرض بفرمایید ازدواج‌شان، در این خاطرات شهدا که زندگینامه نگاه کردیم – در چند مورد بحث ازدواج اینها مطرح می‌شود؛ چگونگی ازدواج اینها، رفتار اینها در گزینش همسر – دنبال چه‌جور همسری بودند – بعد مراسم ازدواج، بعد نوع رفتار با خانواده‌ها، اینها همه قلله‌های اخلاقی اسلامی است. امروز ما گرفتاریم؛ ما امروز به این چیزها احتیاج داریم. امروز جوان ما برای ازدواج، برای گزینش همسر چه‌جوری فکر می‌کند و چه‌جوری باید فکر کند؟ آن الگو را باید در مقابل او نگه داشت؛ اینها الگو هستند، شهیدی ما الگو هستند. گاهی بعضی‌ها پیش ما شاکلیت می‌کنند که ما الگو به جوان‌های‌مان نشان نمی‌دهیم؛ خب، این هزاران الگو؛ ۳۰۰ الگو در این استان، ۱۸۰۰ الگو در این استان، و هزاران الگو در استان‌های گوناگون، اینها را برجسته کنید؛ سیمای منور اینها را درست در مقابل چشم جوان‌های‌مان نگه دارید. من البته با این آلبوم و مانند اینها مخالفتی ندارم اما اگر اصلی اینها نیست، بیان اینها در زندگی‌شان عمل می‌کردند، چه‌جوری عمل می‌کردند، چه‌جوری رفتار می‌کردند، چه‌جوری خرج می‌کردند، به وظیفه چه‌جوری نگاه می‌کردند، این یکی از آن مسائل بسیار مهمی است که می‌تواند الگوسازی کند.

(۱۳۹۵/۷/۵) – بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه بویراحمد و خراسان شمالی)

^[1] *

^[2] *

^[3] *

^[4] *

^[5] *